

ویژه‌نامه سال روز وفات حضرت ام البنین(س)

﴿ازدواج امیر المؤمنین علی(ع) با م البنین(س)﴾

پس از آنکه امیر المؤمنین علی بن ابی طالب(ع) به سوگ پاره‌تن و ریحانه رسول خدا(ص) یعنی سرور زنان عالمیان حضرت فاطمه زهرا(س) شهیده راه ولایت و امامت نشست، برادرش «عقیل بن ابی طالب» را که آشنا به انساب عرب بود، فرا خواند و از او خواست برایش همسری از تبار دلاوران برگزیند تا پسر دلیری برای مولا به ارمغان آورد که سالار شهیدان حسین بن علی(ع) را در کربلا یاری کند.

عقیل، «ام البنین کلابیه(س)» را برای حضرت علی(ع) برگزید که قبیله و خاندانش، بنی کلاب، در شجاعت بی مانند بودند. بنی کلاب از حیث شجاعت و دلاوری در میان عرب زبان‌زد بودند. حضرت امیر المؤمنین(ع) این انتخاب را پسندید و عقیل را به خواستگاری نزد پدر ام البنین(س) فرستاد. پدر، خشنود از این وصلت مبارک، نزد دختر خود شتافت و او نیز با سربلندی و افتخار پاسخ مثبت داد و پیوندی همیشگی بین وی و مولا متقیان علی بن ابی طالب(ع) برقرار شد. امام در حضرت ام البنین(س) عقلی سترگ، ایمانی استوار، آدابی والا و صفاتی نیکو مشاهده کرد و او را گرامی می‌داشت و از صمیم قلب در حفظ حرمت او کوشید.

﴿ام البنین، دو سبط (نوه) پیامبر(ص)﴾

ام البنین(س) بر آن بود که جای خالی مادر دو سبط پیامبر اکرم(ص) دو ریحانه رسول خدا(ص) و دو سرور جوانان بهشت، امام حسن(ع) و امام حسین(ع)، پر کند؛ مادری که در اوج شکوفایی پژمرده شد و آتش به جان فرزندان خردسال خود زد. فرزندان رسول خدا(ص) در وجود این بانوی پارسا، مادر خود را می‌دیدند، و رنج فقدان مادر را کمتر احساس می‌کردند. ام البنین(س)، فرزندان دخت گرامی رسول اکرم(ص) را بر فرزندان خود که نمونه‌های والای کمال بودند مقدم می‌داشت و بخش عمدۀ محبت و علاقه خود را متوجه آنان می‌کرد.

ام البنین(س) توجه به فرزندان رسول خدا(ص) را فریضه‌ای دینی می‌شمرد، زیرا خداوند متعال در کتاب خود همگان را به محبت آنان دستور داده، و آنان امانت و ریحانه رسول خدا(ص) بودند. ام البنین(س) با درک عظمت آنان به خدمتشان قیام کرد و در این راه از بذل آنچه در توان داشت دریغ نورزید.

گویند همان روز که پای در خانه مولا(ع) گذاشت، حسین(ع) هر دو مریض بوده و در بستر افتاده بودند. اما تازه عروس به محض آنکه وارد خانه شد خود را به بالین آن دو عزیز عالم وجود رسانید و همچون مادری مهربان به دلجویی و پرستاری آنان پرداخت. چنانکه گفته می‌شود خود نیز پس از چندی به مولا(ع) پیشنهاد داد که به جای اسم فاطمه، که اسم قبلى و اصلی وی بوده، او را ام البنین(س) صدا زند، تا حسین(ع) از ذکر نام اصلی او توسط مولا(ع) به یاد مادر خویش، فاطمه زهرا(س)، نیفتاده و در نتیجه خاطرات تلخ گذشته در ذهنشان تداعی نگردد و رنج بی‌مادری آنها را آزار ندهد.

﴿اهل بیت و ام البنین(س)﴾

محبت بی‌شائبه ام البنین(س) در حق فرزندان رسول خدا(ص) و فدایکاری‌های فرزندان او در راه سید الشهداء(ع)، در تاریخ بی‌پاسخ نماند. اهل بیت عصمت و طهارت در احترام و بزرگداشت آنان کوشیدند و از قدردانی نسبت به آنان چیزی فرو گذار نکردند. ام البنین(س) از زنان با فضیلت و عارف به حق اهل بیت بود. وی محبتی خالصانه به آنان داشت و خود را وقف دوستی آنان کرده بود. آنان نیز برای او جایگاهی والا و موقعیتی ارزنده قائل بودند. زینب کبری(س) پس از رسیدن به مدینه به محضرش شتافت و شهادت چهار فرزندش را تسليت گفت. چنانکه در اعياد نیز، برای ادای احترام، به محضرش مشرف می‌شد.

رفتن نواده رسول گرامی اسلام(ص) ، شریک نهضت حسینی و قلب طپنده قیام امام حسین(ع) یعنی زینب کبری(س) ، نزد ام البنین(س) و تسليت گفتن شهادت فرزندان برومندش ، نشان دهنده منزلت والای ام البنین(س) نزد اهل بیت است.

﴿ام البنین(س) واسطه فيض الله﴾

این بانوی بزرگوار نزد مسلمانان جایگاهی ویژه دارد، و بسیاری از آنان معتقدند او را نزد خداوند منزلتی والاست و اگر دردمتندی او را به درگاه حضرت باری تعالی شفیع و واسطه قرار دهد، غم و اندوهش برطرف خواهد شد. لذا به هنگام سخنها و درماندگی‌ها، این مادر فدایکار را شفیع خود قرار می‌دهند. البته بسیار هم طبیعی است که ام البنین(س) نزد پروردگار مقرب باشد زیرا وی فرزندان پاره‌های جگر خود را خالصانه در راه خدا و استواری دین حق تقدیم داشته است.

﴿سلسله نسب ام البنین(س)﴾

وی فاطمه دختر حرام بن خالد بن ریبعه بن وحید بن کعب بن عامر بن کلاب بن ریبعه بن عامر بن صعصعه بن معاویه بن بکر بن هوازن است. مادر او شمامه از خانواده سهل بن عامر بن مالک بن جعفر بن کلاب می‌باشد.

امیر المؤمنین(ع) نیز مقصودش از آن پرس‌وجو آن بود که زنی را به همسری خویش برگزیند که زاده دلاوران عرب باشد، چرا که مسلم است سرشت و خصایص اجداد به فرزندان متقل می‌شود، و فرزندان نیز آن ویژگی‌ها را به نسل‌های بعدی متقل می‌سازند.

در این جاست که می‌بینیم در وجود شریف حضرت ابوالفضل(ع) دو گونه شجاعت در هم آمیخته است: ۱. شجاعت هاشمی و علوی که ارجمندتر و والاتر است و از جانب پدر سرور او صیبا به او رسیده؛ و ۲. شجاعت عامری که از جانب مادرش ام البنین(س) ارث برده است، زیرا که در میان تیره مادریش جدی پیراسته چون عامر بن مالک بن جعفر بن کلاب (جد ثمامه مادر ام البنین) بوده است که به سبب قهرمان سالاری و شجاعتش او را «ملا الائمه» یعنی کسی که سر نیزه‌ها را به بازی می‌گیرد، می‌نامیدند.

﴿فرزندان ام البنین(س)﴾

اول از همه، «قمر بنی هاشم(ع)» متولد گردید، و بعد به ترتیب: «عبدالله» و «جعفر» و «عثمان» گام به جهان هستی گذاشتند. فرزندان ام البنین(س) - همگی - در زمین کربلا شهید شدند و نسل ام البنین(س) از طریق عبیدالله بن قمر بنی هاشم بسیار می‌باشند. چون بشیر به فرمان امام زین العابدین(ع) وارد مدینه شد تا مردم را از ماجراهای کربلا و بازگشت اسرای آل الله با خبر سازد در راه ام البنین(س) او را ملاقات کرد و فرمود: ای بشیر، از امام حسین(ع) چه خبر داری؟ بشیر گفت: ای ام البنین، خدای تعالی تو را صبر دهد که عباس تو کشته گردید. ام البنین(س) فرمود: از حسین(س) مرا خبر ده. بدین‌گونه، بشیر خبر قتل یک یک فرزندانش را به او خبر داد اما ام البنین(س) پیاپی از امام حسین(ع) خبر می‌گرفت. وی گفت: فرزندان من و آنچه در زیر آسمان است، فدای حسین باد! و چون بشیر خبر قتل آن حضرت را به او داد صیحه‌ای کشید و گفت: ای بشیر، رگ قلب را پاره کردنی! و صدا به ناله و شیون بلند کرد. مامقانی گوید: این شدت علاقه، کاشف از بلندی مرتبه او در ایمان، و قوت معرفت او به مقام امامت است که شهادت چهار جوان خود را که نظیر ندارند در راه دفاع از امام زمان خویش سهل می‌شمارد.

به نوشته علامه سماوی در ابصار العین: ام البنین(س) همه روزه به بقیع می‌رفت و مرثیه می‌خواند، به نوعی که مروان - با آن قساوت قلب - از ناله و گریه ام البنین(س) به گریه می‌افتد. نیز هنگامی که زن‌ها او را با عنوان ام البنین خطاب کرده و به وی تسليت می‌داده‌اند ابیاتی که معانی آن به این مضمون می‌باشد می‌سرود: ای زنان مدینه، دیگر ام البنین نخوانید و مادر شیران شکاری ندانید، مرا فرزندانی بود که به سبب آنها ام البنین می‌گفتند، ولی اکنون دیگر برای من فرزندی نمانده همه را از دست داده‌ام. آری، ای کاش می‌دانستم آیا این خبر درست است که دست‌های فرزندم قمر بنی هاشم(ع) را از تن جدا کردند؟!